

تحلیل توزیع منابع قدرت سیاسی در ایران با رویکرد نظری شبکه‌محور (مطالعه موردی اعضای دولت موقت تا دولت دوازدهم)

علی ساعی^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۴/۰۹ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۸/۱۸

چکیده

در این پژوهش، توزیع منابع قدرت سیاسی در ایران مطالعه شده است. مسئله این پژوهش توزیع متراکم قدرت در قوه مجریه است. سؤال مقاله به این صورت ارائه شده است که: «توزیع متراکم منابع قدرت در ایران چگونه قابل تبیین است؟» مطابق با مدعای نظر این نوشتار شبکه اجتماعی شرط لازم برای دستیابی به منابع قدرت است. این پژوهش به لحاظ روش‌شناسی، بر رویکرد ترکیبی استوار است که در اینجا این رویکرد، ترکیبی از تحلیل متغیرمحور و موردمحور است. با رویکرد رابطه مجموعه‌ای، گزاره‌های مشاهده‌ای، به اندازه ۹۲. صدق مدعای نظری مقاله را تأیید می‌کنند. در یک مورد، دولت موقت، این رابطه صدق نمی‌کند. شواهد نشان می‌دهد که هرگاه تمرکز شبکه‌ای رخ داده است، تراکم قدرت نیز حضور داشته است. شدت تراکم قدرت، به استثنای دولت موقت، زیرمجموعه شدت تمرکز شبکه‌ای بوده است و میان این دو، رابطه علی هم‌بندی^۲ مشاهده شده است. در پایان مقاله، سرمایه‌گذاری در شبکه‌های اجتماعی افقی یا اتصال‌دهنده به‌عنوان یکی از راه‌حل‌های توزیع پراکنده منابع قدرت و چرخش آزاد قدرت سیاسی ارائه شده است.

واژگان کلیدی: شبکه اجتماعی، نخبگان سیاسی در ایران، توزیع منابع قدرت، تراکم منابع قدرت، رویکرد ترکیبی.

^۱. دانشیار گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس: saeia@modares.ac.ir و alisaiei62@yahoo.com

داده‌های این مقاله از پژوهشی با عنوان «تحلیل چرخش نخبگان قدرت در ایران، ۱۳۵۷ تا ۱۳۹۸»، که به سفارش پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی توسط نگارنده انجام شده است، استخراج شده است.

^۲. Conjunction

مقدمه و بیان مسئله

موضوع این پژوهش ناظر بر توزیع منابع قدرت سیاسی^۱ در ایران است که در متن حاضر، توزیع منابع قدرت صفت نخبگان سیاسی عضو دولت موقت تا دولت دوازدهم بعد از انقلاب ۱۳۵۷ ایران تعریف شده است. در باب نخبگان سیاسی باید گفت این مفهوم دلالت بر گروهی از افراد دارد که در رأس هرم قدرت سیاسی توزیع شده‌اند و در حکومت، عاملیت سیاسی دارند. این نخبگان عناصر کمیاب و منابع ارزشمند جامعه، یعنی ثروت، قدرت سیاسی، شهرت یا اعتبار اجتماعی و سرمایه فرهنگی یا منابع معرفتی را در انحصار خود دارند و از طریق انتخاب‌های استراتژیک^۲ سیاسی خود، بر جهان زیست اجتماعی و سیاسی یک جامعه تأثیر می‌گذارند.

مسئله این پژوهش ناظر بر توزیع متراکم قدرت در نخبگان سیاسی حکومت در معنای قوه مجریه^۳ است. در این مقاله، تراکم قدرت^۴ معادل توزیع متمرکز قدرت سیاسی در گروه محدودی از نخبگان سیاسی است که در آن چرخش قدرت بیشتر در درون نخبگان حکومتی رخ می‌دهد. تراکم قدرت از طریق دو شاخص چگالی ماندگاری در قدرت و چگالی انحصار قدرت مطالعه شده است (ساعی، ۱۳۹۹). برای اثبات این مدعا، شواهد تجربی موجود در جدول شماره ۱ و ۲ ارائه می‌شود.

جدول شماره ۱: آماره‌های ماندگاری و انحصار قدرت

شاخص	N	Range	Minimum	Maximum	Mean	Std. Deviation
ماندگاری	13	.63	.09	.71	.3962	.21368
انحصار قدرت	13	.46	.54	1.00	.8546	.13433

منبع: ساعی، ۱۳۹۹

شواهد نشان می‌دهد که حداقل میزان ماندگاری 09 است که مربوط به دولت موقت است و حداکثر آن معادل 71 است که در میان اعضای دولت ششم، مشاهده شده است. حداقل میزان انحصار قدرت معادل 54 و حداکثر آن برابر یک است که به ترتیب در دولت پنجم و دهم رخ

1. The distribution of political power resources
 2. Strategic Choices
 3. Executive power
 4. Power density

داده است (روش محاسبه این دو شاخص در قسمت چارچوب روش شناختی متن حاضر ارائه شده است).

جدول شماره ۲. توزیع آماری نخبگان قدرت برحسب ماندگاری در پست‌های وزارتی

ماندگاری برحسب سال	فراوانی	درصد
۱	223	61.1
۲	87	23.8
۳	30	8.2
۴	16	4.4
۵	6	1.6
۶	1	3 .
۷	1	3 .
۸	1	3 .
کل	365	100.0

منبع: ساعی، ۱۳۹۹

شواهد نشان می‌دهد که مجموع واحدهای تحلیل در سطح نخبگان سیاسی، برابر با ۳۶۵ مورد بوده است که با کنترل اعضای دولت موقت، از ۳۳۲ وزیر و رئیس‌جمهور، ۱۳۹ مورد بیش از یکبار در میدان قدرت سیاسی، قوه مجریه، حضور داشته‌اند. با معیار یکبار تجربه حضور در دولت، از دوره اول ریاست‌جمهوری تا دوازدهم، قدرت سیاسی در انحصار ۱۹۳ مورد از آنان بوده است.

شواهد تجربی ارائه شده دلالت بر تراکم منابع قدرت در ایران دارد. اکنون براساس این شواهد می‌توان سؤال پژوهش را به این صورت فرموله کرد که: توزیع متراکم منابع قدرت در ایران چگونه قابل تبیین است؟

در پاسخ به سؤال مقاله دو نوع استدلال ارائه شده است: استدلال نظری و استدلال تجربی. در سطح استدلال نظری، راه‌حل‌های تئوریک مسئله از دستگاه نظری پژوهش حاضر استخراج شده است و در سطح استدلال تجربی، در باب راه‌حل‌های تئوریک مسئله داوری شده است. این داوری تجربی می‌تواند به تولید گزاره‌های تاریخی نیز محدود شود.

دستگاه نظری پژوهش

دستگاه نظری این پژوهش بر تئوری شبکه‌محور^۱ استوار است.^۲ تئوری شبکه‌محور فرایند دستیابی به منابع ارزشمند، مانند قدرت، را از طریق تمرکز بر ساختار شبکه روابط میان کنشگران اجتماعی، نقش و موقعیت آنان در شبکه روابط جستجو می‌کند (لین، ۲۰۰۵). در این تئوری، شبکه یک ساختار اجتماعی است که از گره‌ها و پیوندهای بین کنشگران تشکیل شده است. در این معنا، شبکه مجموعه‌ای از گره‌ها و پیوندهای^۳ بین کنشگران است. گره‌ها می‌توانند فرد، گروه، سازمان و کشور باشند. گره‌ها در سطح فرد، ناظر بر کنشگران فردی درون شبکه‌ها و پیوندها مربوط به روابط میان این کنشگران است. در این رویکرد، روابط بین گره‌ها مطالعه می‌شود. داده‌ها صفت رابطه میان افراد یا گروه‌هاست. این تئوری بر ساختار رابطه‌ای استوار است که این ساختار افراد را به‌مثابه گره در داخل گروه‌ها به‌هم پیوند می‌دهد. عنصر کانونی در شبکه اجتماعی گره‌هاست. این گره‌ها نقش مهمی در دستیابی افراد شبکه به قدرت سیاسی دارند. عضویت در شبکه‌های اجتماعی، دارای ارتباطی^۴ ۵ را تولید می‌کند که این دارای به‌نوبه خود، قابلیت و فرصت دستیابی افراد را به منابع ارزشمند، قدرت سیاسی، تسهیل می‌کند. از لحاظ نظری، شهروندان از طریق عضویت در شبکه‌های اجتماعی سرمایه اجتماعی، به‌مثابه منابع نهفته در شبکه، خود را تولید و بازتولید می‌کنند.

شبکه اجتماعی شرایط لازم را برای تولید و استفاده از منابع ارزشمند را فراهم می‌کند. شبکه اجتماعی می‌تواند مترکم یا بسته^۶ باشد، مانند شبکه‌های خانوادگی و دوستان نزدیک و نیز می‌تواند باز^۷ باشد، مانند انجمن‌های داوطلبانه^۸ (لین، ۲۰۰۵). شبکه اجتماعی ماهیت اتصال‌دهنده

^۱. Network-based Theory

^۲. در اینجا باید گفت به‌لحاظ روش شناختی، در متن حاضر، تحلیل شبکه انجام نشده است، بلکه شبکه اجتماعی به‌مثابه یک تئوری مورد استفاده قرار گرفته است. بنابراین تئوری نان لین، که سازگار با ماهیت این پژوهش است، انتخاب شده است.

^۳. Nodes and Ties

^۴. Relationships

^۵. Relational Asset

^۶. Density or Closed Networks

^۷. Open Networks

^۸. Voluntary Associations

و پیونددهنده^۱ دارد.^۲ در یک شبکه متراکم، روابط از نوع پیونددهنده است. شبکه‌های متراکم^۳ به توزیع و بسیج منابع کمک می‌کند. در یک شبکه باز، روابط از نوع اتصال‌دهنده است که منابع مورد نیاز ممکن را فراهم می‌کنند (لین، ۱۹۸۲: ۴۱). شبکه‌های اتصال‌دهنده مانند مجموعه‌ای از احزاب و انجمن‌های داوطلبانه (NGO) و پیونددهنده مانند روابط دوستی یا آشنایی و خویشاوندی است.

عصر کلیدی در تئوری شبکه اجتماعی منابع نهفته در آن است. منابع نهفته در روابط اجتماعی و شبکه‌های اجتماعی بخشی از سرمایه اجتماعی را تشکیل می‌دهند. در این معنا، مفهوم شبکه اجتماعی زیرمجموعه مفهوم سرمایه اجتماعی محسوب می‌شود. اساساً تولید سرمایه اجتماعی مبتنی بر فرایندی است که طی آن «ارزش افزوده»^۴ از طریق سرمایه‌گذاری در روابط اجتماعی حاصل می‌شود. منابع نهفته در این روابط به مکانیسمی تبدیل می‌شوند که افراد و کنشگران جمعی از طریق آن، کسب امتیاز^۵ می‌کنند. تئوری سرمایه اجتماعی بر تولید و بازده‌های سرمایه اجتماعی^۶ متمرکز است و توضیح می‌دهد که چگونه کنشگران فردی و جمعی در روابط اجتماعی سرمایه‌گذاری می‌کنند که از طریق آن سرمایه‌گذاری، به منابع متنوع و غنی به‌عنوان بازده‌های مورد انتظار^۷، دسترسی پیدا می‌کنند (لین، ۲۰۰۸: ۴). این منابع می‌تواند ثروت، قدرت و شهرت^۸ باشد. به گفته لین (۲۰۰۸)، یکی از بازده‌های احتمالی سرمایه اجتماعی دستیابی به موقعیت‌های شغلی قدرتمند^۹ و نقش‌های بانفوذ در زندگی مدنی و سیاسی است که از طریق پیوند با افراد حاصل می‌شود. مطابق با تئوری لین سرمایه اجتماعی به‌مثابه یک سرمایه‌گذاری در

1. Bonding and Bridging Networks

۲. این دو از شبکه به سرمایه اجتماعی منتقل می‌شود بنابراین در ماهیت سرمایه اجتماعی پل یا اتصال (bind or bridge) وجود ندارد. تیپولوژی اتصال‌دهنده و پیونددهنده را پاتنام ارائه کرده است (پاتنام، ۲۰۰۰: ۱۸). علاوه بر آن، پاتنام شبکه‌ها را به افقی و عمودی نیز تقسیم کرده است. شبکه‌های افقی مانند NGO و شبکه‌های عمودی مانند روابط حامی-کارگزار است (پاتنام، ۱۹۹۲).

3. Dense networks

4. Surplus value

5. Advantage

6. Production and returns of social capital

7. Expected returns

8. Wealth, power, or reputation

9. Powerful positions

روابط اجتماعی است (لین، ۱۹۹۹: ۴۰) و سرمایه اجتماعی نهفته در شبکه روابط دارای سه جز اصلی است: دارایی جمعی^۱، منابع اجتماعی قابل دسترس افراد و استفاده و بسیج منابع اجتماعی^۲ در دستیابی به منابع ارزشمند. لین منابع ارزشمند را ثروت، قدرت و پایگاه اجتماعی معرفی می‌کند (لین، ۱۹۹۹؛ ۱۹۸۲: ۴۱). لین بازده مورد انتظار ناظر بر سرمایه‌گذاری در روابط اجتماعی را در دو کنش هدفمند: کنش ابزاری^۳ و اظهاری^۴ دسته‌بندی می‌کند. بازده کنش ابزاری در دستیابی به ثروت، قدرت و پایگاه اجتماعی، منابع اقتصادی، سیاسی و اجتماعی^۵، و بازده کنش اظهاری در دستیابی به سلامت جسمانی، روانی و رضایت از زندگی بازنمایی می‌شود (لین، ۱۹۹۹: ۱-۴۰). کنش ابزاری معطوف به کسب منابع^۶ و کنش اظهاری معطوف به حفظ منابع^۷ است (لین، ۲۰۰۱: ۴۸). در این رویکرد سرمایه اجتماعی به مثابه یک دارایی جمعی مانند اعتماد و هنجارها^۸ و منابع نهفته در شبکه اجتماعی قابل فهم است. شبکه‌ها دستیابی به منابع ارزشمند مانند ثروت، منزلت و قدرت را تسهیل می‌کنند (لین، ۱۹۹۹).

براساس تئوری نان لین، دسترسی به منابع ارزشمندی مانند ثروت، قدرت و شهرت (همان) تا حدودی به موقعیت فرد در ساختار سلسله‌مراتبی و قوت موقعیت فرد در شبکه روابط^۹ بستگی دارد. موقعیت بالاتر در ساختار سلسله‌مراتبی نه تنها فرصت دستیابی به منابع ارزشمند را فراهم می‌آورد، بلکه چنین موقعیتی دستیابی به منابع ارزشمند^{۱۱} را در سایر موقعیت‌ها در ساختار سلسله‌مراتبی در جامعه نیز فراهم می‌کند. در تئوری لین، قوت موقعیت فرد در شبکه روابط با قاعده هموفیلی^{۱۲} یا اصل شبیه من^{۱۳} سازگاری دارد (لین و دامین، ۱۹۸۶ به نقل از

¹. Collective Assets

². collective assets, accessible social resources, and mobilized social resources

³. Instrumental Action

⁴. Expressive Action

^۵. کنش‌های اظهاری در روابط درون‌گروهی رخ می‌دهند و کنش‌های ابزاری که به دنبال کسب منابع هستند، در روابط بین گروهی شرایط اطلاق دارند. کنش ابزاری برای کسب منابعی صورت می‌گیرد که در اختیار کنشگر نیست، درحالی‌که کنش اظهاری برای حفظ منابع رخ می‌دهد که در اختیار کنشگر است (لین، ۱۹۸۲: ۴۱).

⁶. Economic return, Political return, and Social return

⁷. Gaining resources

⁸. Maintaining resources

⁹. Social capital as a collective asset, trust, norms, etc., (see Lin 1999)

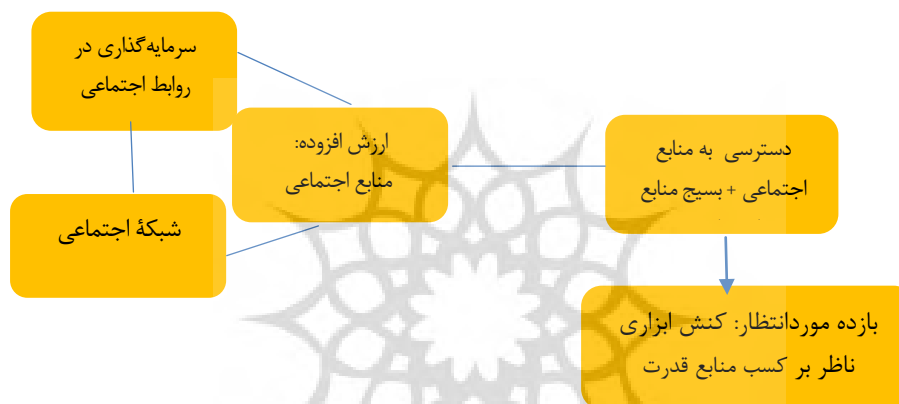
¹⁰. Network Location

¹¹. Valued resources

¹². Homophily

¹³. Like-me Principle

حسن پور (۱۳۹۸). این قاعده ناظر بر دستیابی به منابع اجتماعی بهتر از طریق ارتباط افراد عضو طبقه اجتماعی بالای جامعه با افراد دارای موقعیت‌های بالا در ساختار اجتماعی است. با الهام از این رویکرد نظری، تلاش شده است که دستگاه نظری پژوهش حاضر به‌منابه بنیان تئوریک آن فرموله شود. از دستگاه نظری راه‌حل تئوریک مسئله از آن استنتاج و در پرتو آن شواهد تجربی ناظر بر شبکه اجتماعی نخبگان قدرت و توزیع منابع قدرت گردآوری و با روش مناسب تحلیل تجربی شده است. در این معنا، دستگاه نظری راهنمای ما در تحقیق تجربی است.



شکل شماره ۱: مدل نظری

ساختار منطقی دستگاه نظری این پژوهش به این صورت است که سرمایه‌گذاری در روابط اجتماعی^۱ به خلق ارزش افزوده^۲ در اینجا تولید منابع نهفته در شبکه اجتماعی منجر می‌شود، منابع اجتماعی نهفته^۳ در این روابط به مکانیسمی تبدیل می‌شوند که افراد و کنشگران جمعی از طریق دسترسی، به منابع اجتماعی نهفته در شبکه‌های اجتماعی و بسیج منابع اجتماعی^۴ در کنش‌های هدفمند^۵ برای کسب سود به‌عنوان بازده مورد انتظار، در اینجا بازده سیاسی^۶ فرایند دستیابی به قدرت سیاسی را در میدان قدرت تسهیل کند.

1. Investment in social relations
2. Surplus value
3. Embedded resource
4. Mobilization
5. Purposive actions
6. Political return

به لحاظ نظری، سرمایه‌گذاری در روابط اجتماعی، ساختار رابطه‌ای را به وجود می‌آورد که گره‌های محوری آن ساختار را مجموعه‌ای از افراد، احزاب، انجمن‌های داوطلبانه و سازمان رسمی-شغلی تشکیل می‌دهد. در شبکه‌های اجتماعی، انباشت منافع جمعی حاصل می‌شود، انرژی‌های پراکنده متراکم می‌شوند و کنشگران منابع نهفته در شبکه را برای دستیابی به منابع قدرت بسیج می‌کنند. در این معنا، عنصر ساختاری مهم در دستیابی به منابع قدرت، مناسبات اجتماعی نهادینه شده در شبکه روابط اجتماعی افراد است. حلقه مرکزی در شبکه اجتماعی، نقش مهمی در توزیع منابع قدرت دارد. اگر تمرکز شبکه در حلقه مرکزی باشد، دسترسی و بسیج منابع برای کسب امتیاز قدرت بیشتر در گروه محدودی از کنشگران نزدیک به حلقه مرکزی رخ می‌دهد. این قاعده در باب شبکه نخبگان قدرت سیاسی نیز صادق است.

بر مبنای منطق نظم‌یابی، این مدعای نظری از تئوری شبکه اجتماعی قابل استنتاج است که: شبکه اجتماعی نخبگان قدرت شرط لازم برای توزیع منابع قدرت است. اگر ساختار شبکه اجتماعی نخبگان قدرت متمرکز باشد، فرصت دستیابی به منابع قدرت به دایره شبکه روابط ساختاری معین محدود می‌شود، آنگاه تراکم قدرت رخ می‌دهد. در این مدعای نظری معلول، تراکم قدرت، زیرمجموعه شرط علی، تمرکز^۱ شبکه اجتماعی است.^۲

داوری در باب صدق این مدعای نظری با تجربه است. تطبیق این گزاره‌ها با واقعیت نیازمند تبدیل آنها به سنجه‌های قابل مشاهده^۳ است که در ادامه به این بحث پرداخته شده است.

روش تحقیق

در این قسمت، مفاهیم موجود در مدل نظری تعریف عملی و معرف‌های تجربی هر یک از مفاهیم تعیین شده‌اند. سپس در باب روش تحقیق، واحدهای تحلیل، واحدهای مشاهده و اعتبار تحقیق بحث شده است.

نخبگان قدرت: در این پژوهش، منظور ما از نخبگان سیاسی نخبگان حکومتی هستند که در کابینه حضور دارند. در متن حاضر، دلالت مصداقی نخبگان قدرت، رئیس‌جمهور، نخست‌وزیر و وزیران کابینه دولت موقت مهدی بازرگان تا کابینه دولت دوازدهم است.

^۱ تمرکز (Centralization) از مفاهیم اساسی تئوری شبکه اجتماعی است.

^۲ این مدعای نظری متناسب با الزامات رویکرد روش‌شناختی متن حاضر فرموله شده است.

^۳ Observable measures

تراکم قدرت: تراکم قدرت از طریق شاخص ماندگاری در قدرت و انحصار قدرت در گروه محدودی از کنشگران سیاسی حاکم ارزیابی شده است. شاخص ماندگاری در قدرت از طریق محاسبه نسبت تکرار حضور نخبگان سیاسی در هر کابینه در بازه بیش از ۲ بار و تا حداکثر تکرارپذیری، که در این پژوهش برابر ۸ بار حضور در دولت است، به کل اعضای همان کابینه به دست آمده است. برای مثال، دولت موقت از ۳۳ عضو تشکیل شده بود که عضویت ۳ مورد آنان دوبار تکرار شده است که نسبت ۳ بر ۳۳ برابر ۰,۰۹ است. شاخص انحصار قدرت به صورت نسبت انحصار قدرت در حزب خاص و گروه‌های هم‌جهت بر تعداد اعضای هر کابینه محاسبه شده است. برای مثال، در دولت هفتم ۲۲ مورد از موقعیت‌های قدرت، در انحصار ائتلاف گروه‌های چپ با حزب کارگزاران سازندگی بوده است که نسبت آن بر ۲۸ عضو کل کابینه، معادل ۰.۷۹ می‌شود. میانگین ماندگاری و انحصار قدرت به صورت مجموع حاصل جمع مقادیر هر شاخص به کل دولت‌ها محاسبه شده است.

شبکه اجتماعی: در این مقاله شبکه اجتماعی از طریق شاخص‌های اندازه شبکه و تمرکز شبکه مطالعه شده است.

اندازه شبکه: این شاخص تعداد کل پیوندهای موجود در شبکه را نشان می‌دهد.

تمرکز شبکه^۱: شاخص تمرکز شبکه درصدی از پیوندهای شبکه‌ای است که در انحصار کنشگران مرکزی است.

(هیتورنت ویت، ۱۹۹۶؛ بورگاتی و همکاران، ۲۰۰۹؛ چلبی، ۱۳۹۰؛ باستانی و رئیسی، ۱۳۹۰ به نقل از حسن‌پور، ۱۳۹۸). در این متن، دلالت مصداقی کنشگر مرکزی، نخست‌وزیر و رئیس‌جمهور است. در این پژوهش، شبکه روابط ساختاری بین نخبگان قدرت در سه سطح اندازه‌گیری شده است: رابطه نهادی رسمی، رابطه دوستی یا آشنایی یا خویشاوندی، رابطه انجمنی و رابطه حزبی.

جدول شماره ۳: معرف‌های تجربی شبکه اجتماعی

رابطه نهادی رسمی	رابطه دوستی یا آشنایی	رابطه حزبی
مانند هم‌دانشگاهی، هم‌پارلمانی هم‌کابینه بودن درقبل	مانند آشنایی با رئیس‌جمهور، نخست‌وزیر، مقام رهبری و اعضای کابینه	مانند عضویت در حزب جمهوری اسلامی ایران، مؤتلفه اسلامی، نهضت آزادی ایران، جبهه مشارکت ایران اسلامی و کارگزاران سازندگی یا مورد حمایت آنها

^۱. Centralization

شاخص تمرکز شبکه‌ای با شاخص‌های تمرکز رابطه نهادی رسمی، تمرکز رابطه آشنایی، تمرکز رابطه حزبی-سیاسی و میانگین تمرکز شبکه‌ای سنجیده شده است. شاخص تمرکز شبکه‌ای بیانگر میزان عضویت نخبگان قدرت در شبکه کنشگران مرکزی است. تمرکز درصدی از شبکه است که در انحصار کنشگران مرکزی است. شبکه با درجه تمرکز یک بیانگر آن است که همه پیوندها در اختیار یک کنشگر مرکزی است.

شاخص تمرکز رابطه نهادی رسمی به صورت نسبت تعداد همه پیوندهای کنشگران سیاسی هم‌سازمانی، هم‌پارلمانی، هم‌دانشگاهی، هم‌کابینه‌ای و هم‌بودگی در شورای انقلاب با کنشگر مرکزی، نخست‌وزیر و رئیس‌جمهور، به همه پیوندهای موجود در شبکه نهادی رسمی، محاسبه شده است. برای مثال، در دولت موقت، مجموع رابطه نهادی ۲۵ مورد بوده است که از این تعداد ۲۳ نفر پیوند نهادی با حلقه مرکزی، بازرگان، داشته است که نسبت آن برابر ۹۲٪ است. شاخص تمرکز رابطه آشنایی از طریق محاسبه نسبت تعداد همه پیوندهای مبتنی بر آشنایی با کنشگران مرکزی، رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر، به همه پیوندهای موجود در شبکه رابطه دوستی یا آشنایی به دست آمده است. برای مثال، در دولت موقت، ۳۳ نفر به عنوان عضو کابینه حضور داشته‌اند که از این تعداد ۲۹ نفر رابطه آشنایی با بازرگان داشته‌اند. در اینجا، نسبت آشنایی برابر با ۸۷،۸۷٪ است. شاخص تمرکز رابطه حزبی از طریق محاسبه نسبت عضویت حزبی در حزب مسلط و گروه‌های همسو به کل اعضای دولت به دست آمده است. برای مثال، دولت موقت از ۳۳ عضو تشکیل شده بود که ۳۱ مورد آنان عضویت حزبی داشته‌اند. نسبت آن برابر ۹۴،۰٪ است.

روش تجربه: منبع داده‌های تجربی این مقاله اسناد رسمی موجود در آرشیو وزارت کشور، اسناد مشروح مذاکرات مربوط به معرفی وزیران کابینه از سوی رئیس‌جمهور در مجلس، اسناد موجود در کتابخانه مجلس شورای اسلامی، زندگینامه‌ها، کتاب‌های معتبر داخلی، خاطرات، پایگاه‌های اطلاع‌رسانی دولت و مجلس، سایت دانشگاه‌ها، سایت‌های شخصی، رزومه‌های دانشگاهی و اطلاعات افراد در کتاب‌های مجلس، روزنامه‌ها، سایت مجمع تشخیص مصلحت نظام و مصاحبه‌های حضوری با تعدادی از وزیران، معاونان رئیس‌جمهور و افراد صاحب‌نظر است (ساعی، ۱۳۹۹).

این پژوهش به لحاظ روش‌شناسی، بر رویکرد ترکیب‌گرایانه^۱ استوار است که در اینجا این رویکرد، ترکیبی از تحلیل متغیرمحور و موردمحور^۲ است. در تحلیل متغیرمحور از تکنیک‌های آماری مثل میانگین و دیاگرام و درصد توزیع فراوانی استفاده شده است. تحلیل مورد محور این پژوهش ناظر بر رابطه مجموعه‌ای^۳ است که در اینجا تمرکز بر تحلیل روابط مجموعه‌ای^۴ شده است. هدف بررسی رابطه بین مجموعه‌هاست. مفهوم کلیدی رابطه مجموعه‌ای مفهوم زیرمجموعه^۵ است (ریگین، ۲۰۰۸؛ ساعی، ۱۳۹۲). در متن حاضر، تراکم قدرت به مثابه زیرمجموعه توزیع متمرکز منابع نهفته در شبکه اجتماعی نخبگان قدرت در ایران است. در سطح تحلیل، مورد محور از علیت همبندی^۶ استفاده شده است. از طریق این روش می‌توان موردها را برحسب عضویت و عدم عضویت در مجموعه‌ها مطالعه کرد. این عضویت می‌تواند با معیار درجه عضویت تحلیل شود. تحلیل علیت همبندی نیازمند ماتریس شواهد تجربی خام به صورت یک جدول ارزش^۷ است. جدول ارزش برای بازنمایی گزاره‌های منطقی است. جدول ارزش به صورت زیر ارائه شده است:

جدول شماره ۵: جدول ارزش

دولت	شرط علی: شبکه روابط اجتماعی	نتیجه: تراکم قدرت
دولت‌ها	شدت	شدت
	تمرکز زیاد/ خیلی زیاد	تراکم زیاد/ خیلی زیاد

واحدهای مشاهده: واحدهای مشاهده، اعضای کابینه دولت موقت تا دولت دوازدهم است.

واحدهای تحلیل: در این پژوهش، دو نوع واحد تحلیل وجود دارد. واحدهای تحلیل

بزرگتر و واحدهای تحلیل کوچکتر. واحد تحلیل بزرگتر کشور ایران و دولت درمعنای قوه

مجریه^۸ است. واحد تحلیل کوچکتر فرد به عنوان عضو کابینه و رابطه میان اعضای کابینه است.

^۱ . Configurational Analysis

^۲ . Variable- oriented and Case- oriented Approach

^۳ . Set relation

^۴ . The Analysis of Set Relations

^۵ . Subset

^۶ . Conjunctural Causation

^۷ . Truth table

^۸ . Executive Power

اعتبار و پایایی^۱: در این پژوهش تلاش شده است، مسئله پژوهش بر مبنای شواهد تجربی معتبر اثبات شود. دستگاه نظری این پژوهش از طریق مجموعه‌ای از فعالیت‌های طولانی مدت نگارنده در این پژوهش و پژوهش‌های دیگر بر ساخته شود، سنجه‌های ابزار اندازه‌گیری بر مبنای معیار شرایط صدق آنها انتخاب و شواهد تجربی از طریق رجوع به منابع متعدد و نیز به تعدادی از افراد اعضای دولت‌ها گردآوری و از طریق روش ترکیب‌گرایانه تحلیل شود. با این حال، معیار خط‌پذیری مشاهدات تجربی یافته‌های این متن را محتاج انتقاد می‌کند. در هر شرایطی، نتیجه علمی امر مطلق نیست و امکان ابطال آن وجود دارد.

تحلیل تجربی

نقطه آغازین این پژوهش دولت موقت است که به‌عنوان اولین دولت بعد از انقلاب ۱۳۵۷، تشکیل شده است. اولین دولت در ایران پس از انقلاب ۱۳۵۷، در ۱۵ بهمن ۱۳۵۷ به ریاست مهدی بازرگان تشکیل شد. آخرین واحد تحلیل پژوهش حاضر دولت دوازدهم است که در تاریخ ۱۲ مرداد ۱۳۹۶ با ریاست حسن روحانی شروع به کارکرد و در ۱۲ مرداد ۱۴۰۰ پایان خواهد یافت.

تحلیل توصیفی شبکه اجتماعی نخبگان قدرت

در سطح تحلیل توصیفی داده‌ها صفت رابطه بین افراد و گروه‌هاست. در باب مفهوم شبکه باید گفت شبکه اجتماعی به‌مثابه یک ساختار اجتماعی^۲ از گره‌ها^۳ و پیوندها^۴ تشکیل شده است که این گره‌ها از طریق نوع خاصی از روابط میان کنشگران اجتماعی مانند روابط دوستی و منافع مشترک^۵ به یکدیگر متصل^۶ می‌شوند. به گفته لین، شبکه‌های اجتماعی شرایط لازم را برای تولید، استفاده و دستیابی به منابع ارزشمند مانند قدرت سیاسی را فراهم می‌کنند (لین، ۲۰۰۵؛ ۱۹۸۲؛ ۱۹۹۱). در متن حاضر، شبکه‌های اجتماعی نخبگان در سه سطح رابطه نهادی رسمی، رابطه دوستی و رابطه حزبی تحلیل شده است.

1. Validity and Reliability

2. social structure

3. Nodes

4. Ties

5. Common interest

6. Connect

جدول شماره ۶: توزیع شبکه نهادی نخبگان قدرت برحسب دولت‌ها

تعداد کل پیوندها	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	د. موقت	
5	1	0	1	0	1	0	1	0	1	0	0	0	0	رئیس‌جمهور
3	1	1	0	0	0	0	0	0	1	0	0	0	0	رئیس دانشگاه
57	12	7	6	1	7	9	2	3	5	3	1	0	1	عضویت در شبکه دولت
16	0	1	3	5	1	1	0	1	0	1	3	0	0	عضویت پارلمانی
8	0	0	0	1	0	1	1	0	3	1	1	0	0	عضویت در جهادسازدگی
3	0	0	1	1	0	1	0	0	0	0	0	0	0	عضویت در شبکه نهاد رهبری
3	0	0	0	3	0	0	0	0	0	0	0	0	0	عضویت در شبکه‌های صنعتی
15	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	4	11	عضویت در شورای انقلاب
1	0	0	0	1	0	0	0	0	0	0	0	0	0	عضویت در نهادهای قضایی
27	1	1	4	7	0	1	1	0	2	3	2	3	2	عضویت در نهادهای نظامی
3	0	0	0	3	0	0	0	0	0	0	0	0	0	عضویت در شبکه شورای نگهبان
3	0	0	0	3	0	0	0	0	0	0	0	0	0	عضویت در شهرداری

ادامه جدول شماره ۶: توزیع شبکه نهادی نخبگان قدرت برحسب دولت‌ها

تعداد کل پیوندها	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	د. موقت	
28	2	5	0	2	0	1	1	13	0	1	1	2	0	عضویت کابینه‌ای
5	0	4	0	0	0	0	1	0	0	0	0	0	0	هم‌سازمانی
18	0	3	0	0	0	0	1	8	0	6	0	0	0	هم‌پارلمانی
19	0	0	6	3	0	0	0	0	0	0	0	0	11	هم‌دانشگاهی
106	9	0	9	0	16	10	15	0	15	21	11	0	0	هم‌کابینه
3	0	1	0	1	0	1	0	0	0	0	0	0	0	سایر
324	26	23	30	31	25	25	23	25	27	36	19	9	25	جمع

در این جدول کد یک تا دوازده معادل دولت اول تا دولت دوازدهم است.

در اینجا منظور ما از هم‌سازمانی، هم‌پارلمانی، هم‌دانشگاهی و هم‌کابینه‌ای، هم‌بودگی با نخست‌وزیر و رئیس‌جمهور است. شواهد نشان می‌دهد که از کل افراد مورد مطالعه ۱۴۸ مورد در حلقه هم‌سازمانی، هم‌پارلمانی، هم‌دانشگاهی و هم‌کابینه‌ای فرد نخست‌وزیر و رئیس‌جمهور توزیع شده‌اند. در این حلقه، هم‌کابینه‌ای بودن وزن سنگین‌تری در دستیابی و بازتولید منابع متراکم قدرت دارد. عضویت در سه شبکه پارلمانی، نظامی، دولت و عضویت کابینه‌ای و شورای انقلاب، به‌عنوان منابع قدرت، در مرتبه دوم قرار دارند.

جدول ۶.۱: توزیع شبکه نهادی نخبگان قدرت برحسب دولت‌ها

تعداد کل پیوندها در شبکه	۲	۱	
9	44.4	55.6	اول
19	36.8	63.2	دوم
36	19.4	80.6	سوم
27	40.7	59.3	چهارم
25	64.0	36.0	پنجم
23	21.7	78.3	ششم
25	56.0	44.0	هفتم

ادامه جدول ۱.۶: توزیع شبکه نهادی نخبگان قدرت برحسب دولت‌ها

تعداد کل پیوندها در شبکه	۲	۱	
25	32.0	68.0	هشتم
31	87.1	12.9	نهم
30	46.7	53.3	دهم
23	65.2	34.8	یازدهم
26	61.5	38.5	دوازدهم
324	146	178	کل

کد ۱. عضویت در شبکه نهادی کنشگر مرکزی: هم‌زمانی + هم‌پارلمانی + هم‌دانشگاهی + هم‌کابینه + شورای انقلاب.

کد ۲. عدم عضویت در شبکه نهادی کنشگر مرکزی.

شواهد نشان می‌دهد که ۵۴,۹ از اعضای کابینه‌ها عضو شبکه نهادی کنشگر مرکزی بوده‌اند. بیشترین تمرکز شبکه‌ای در حلقه مرکزی در دولت سوم و کمترین آن در دولت نهم توزیع شده است.

جدول شماره ۷: توزیع شبکه آشنایی نخبگان قدرت برحسب دولت‌ها

تعداد کل پیوندها	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	تعداد کل پیوندها
32	0	0	22	10	0	0	0	0	0	0	0	0	0
30	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	2	28
1	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	1	0
1	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	1	0
1	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	1	0
1	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	1	0	0
1	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	1	0	0

ادامه جدول شماره ۷: توزیع شبکه آشنایی نخبگان قدرت برحسب دولت‌ها

تعداد کل پیوندها	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	تعداد کل پیوندها	
1	1	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	آشنایی با بیژن زنگنه
39	0	6	0	0	18	15	0	0	0	0	0	0	0	آشنایی با خاتمی
9	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	6	2	1	آشنایی با رجایی
1	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	1	0	آشنایی با رجایی و هاشمی
1	0	0	0	1	0	0	0	0	0	0	0	0	0	آشنایی با رحیم مشایی
9	0	0	0	0	0	0	0	0	1	1	3	3	1	آشنایی با روح‌الله خمینی
1	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	1	0	0	آشنایی با روح‌الله خمینی و رجایی
2	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	2	0	0	آشنایی با روح‌الله خمینی و رجایی
21	19	2	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	آشنایی با روحانی
2	0	2	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	آشنایی با روحانی و خاتمی
2	2	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	آشنایی با روحانی، سیدعلی خامنه‌ای و خاتمی
1	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	1	آشنایی با سنجابی
13	0	0	1	1	1	2	1	1	1	4	1	0	0	آشنایی با سیدعلی خامنه‌ای
1	0	0	0	0	0	1	0	0	0	0	0	0	0	آشنایی با سیدعلی خامنه‌ای و موسوی و خاتمی
3	0	0	0	0	1	0	1	0	0	1	0	0	0	آشنایی با سیدعلی خامنه‌ای و خاتمی

ادامه جدول شماره ۷: توزیع شبکه آشنایی نخبگان قدرت برحسب دولت‌ها

تعداد کل پیوندها	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	تعداد کل پیوندها
1	0	0	0	0	0	0	0	0	0	1	0	0	0
1	1	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0
1	0	0	0	0	0	1	0	0	0	0	0	0	0
8	0	0	0	0	0	0	0	1	4	3	0	0	0
3	0	1	0	0	0	0	1	1	0	0	0	0	0
1	0	0	0	0	0	0	0	0	0	1	0	0	0
2	1	1	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0
1	0	0	0	0	1	0	0	0	0	0	0	0	0
1	0	0	0	0	0	1	0	0	0	0	0	0	0
1	0	0	0	0	1	0	0	0	0	0	0	0	0
2	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	2	0	0
1	0	0	0	1	0	0	0	0	0	0	0	0	0
50	0	0	0	0	0	1	0	5	19	25	0	0	0
1	0	0	0	0	0	1	0	0	0	0	0	0	0
1	0	0	0	0	0	0	0	0	0	1	0	0	0

ادامه جدول شماره ۷: توزیع شبکه آشنایی نخبگان قدرت برحسب دولت‌ها

تعداد کل پیونده	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	تعداد کل پیونده	
1	1	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	آشنایی با نوبخت ^۱
1	0	1	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	آشنایی با نوبخت و سیدرضا صالحی امیری
36	0	0	0	0	0	1	18	17	0	0	0	0	0	آشنایی با هاشمی
1	0	1	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	آشنایی با هاشمی و خاتمی و واعظی
2	0	1	0	0	1	0	0	0	0	0	0	0	0	آشنایی با هاشمی و خاتمی
1	0	0	0	0	0	1	0	0	0	0	0	0	0	آشنایی با هاشمی و خامنه‌ای و خاتمی
1	0	0	0	0	0	0	0	1	0	0	0	0	0	آشنایی با هاشمی و فاضل
4	0	4	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	آشنایی با هاشمی و روحانی و خاتمی
3	1	2	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	آشنایی با خامنه‌ای و هاشمی و خاتمی
1	0	0	1	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	آشنایی با خامنه‌ای و احمدی‌نژاد
1	0	1	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	آشنایی با علی لاریجانی رئیس مجلس وقت و روحانی
1	0	1	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	خویشاوند ناطق نوری و آشنایی با هاشمی

^۱. نوبخت معاون رئیس‌جمهور روحانی

ادامه جدول شماره ۷: توزیع شبکه آشنایی نخبگان قدرت برحسب دولت‌ها

تعداد کل پیوندها	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	تعداد کل	
1	0	0	0	1	0	0	0	0	0	0	0	0	0	خویشاوند ^۱
2	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	1	1	0	خویشاوند سیدعلی خامنه‌ای/آشنایی با رجایی
2	0	0	0	1	0	0	1	0	0	0	0	0	0	خویشاوند علی اکبر ناطق نوری
1	0	0	0	0	1	0	0	0	0	0	0	0	0	خویشاوند میرحسین موسوی
1	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	1	خویشاوند مهدی بازرگان
2	0	0	0	0	1	1	0	0	0	0	0	0	0	خویشاوندی با خاتمی و سیدعلی خامنه‌ای
1	0	0	0	0	0	1	0	0	0	0	0	0	0	خویشاوندی با هاشمی
1	0	0	0	0	1	0	0	0	0	0	0	0	0	خویشاوندی با هاشمی/آشنایی با خاتمی
2	0	0	0	0	0	0	0	0	1	1	0	0	0	خویشاوندی با سیدعلی خامنه‌ای و آشنایی به خمینی
1	0	0	0	0	0	0	0	0	0	1	0	0	0	داماد مشکینی
1	0	0	0	1	0	0	0	0	0	0	0	0	0	در حلقه دوستان احمدی‌نژاد
1	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	1	0	مرتضی مطهر و معین‌فر و بهزاد نبوی
317	26	23	24	16	26	26	22	26	26	39	18	13	32	کل

^۱. حسینی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی احمدی‌نژاد

شواهد تجربی ناظر بر شبکه‌های اجتماعی نخبگان در سطح رابطه دوستی یا آشنایی نشان می‌دهد که عضویت در شبکه نهادی میرحسین موسوی، نخست‌وزیر، سیدمحمدخاتمی، رئیس‌جمهور، اکبرهاشمی رفسنجانی، رئیس‌جمهور، مهدی بازرگان، نخست‌وزیر، محمود احمدی‌نژاد، رئیس‌جمهور، و حسن روحانی^۱، رئیس‌جمهور، به‌عنوان شش حلقه ارتباطی میان نخبگان قدرت، بیشترین وزن را در توزیع قدرت داشته‌اند. عضویت در شبکه موسوی در دولت سوم و چهارم و در شبکه هاشمی در دولت ششم و در شبکه خاتمی در دولت هشتم، وزن بیشتری در توزیع قدرت داشته است. براساس داده‌های موجود، می‌توان گفت ۱۹ مورد از اعضای دولت‌های روحانی زیرمجموعه عضویت در شبکه خاتمی است. وزن شبکه هاشمی در دولت روحانی ۱۰ عضو است. وزن عضویت در شبکه روحانی در کابینه یازدهم ده نفر است که در دولت دوازدهم این وزن افزایش یافته است. دلیل آن بازتئیت تعداد زیادی از وزیران در کابینه دوم روحانی است. به‌طورکلی، دستیابی به قدرت در کابینه روحانی در پرتو عضویت در شبکه خاتمی و هاشمی قابل فهم است. اعضای شبکه احمدی‌نژاد دستیابی به قدرت را در دولت نهم و دهم تجربه کرده‌اند و پس از آن، از چرخه قدرت سیاسی، قوه مجریه، خارج شده‌اند. شبکه‌های شخصی، پیوندها و شبکه ارتباطات میان نخبگان سیاسی، به‌ویژه ارتباط با رهبران، امکان دستیابی به قدرت را تولید و بازتولید کرده است. مانند ارتباط با آیت‌الله خمینی، سیدمحمد بهشتی، ریاست دیوان عالی کشور، و هاشمی رفسنجانی شواهدی بر اثبات نقش پیوندهای شخصی بر نفوذ در ساختار قدرت در ایران است. توزیع آماری شبکه رابطه آشنایی با گره مرکزی و غیرمرکزی در جدول زیر ارائه شده است.

براساس داده‌های موجود ۷۴ مورد از افراد مورد مطالعه در شبکه رابطه دوستی خاتمی توزیع شده‌اند که ۳۵ مورد از آنان در شبکه پیوندهای متقاطع^۲ عضویت داشته‌اند. در حلقه ارتباطی موسوی ۸۵ مورد بوده است که ۳۵ مورد آنان پیوندهای متقاطع داشته‌اند. هاشمی با وزن ۵۳، در مرتبه سوم قرار دارد. ۱۶ مورد از اعضای شبکه هاشمی عضویت متقاطع داشته‌اند. عضویت در حلقه ارتباطی سیدعلی خامنه‌ای، رئیس‌جمهور، با ۲۵، احمدی‌نژاد با ۳۲، روحانی با ۲۵ و بازرگان با ۳۱ مورد از منابع مهم دیگر در توزیع قدرت هستند.

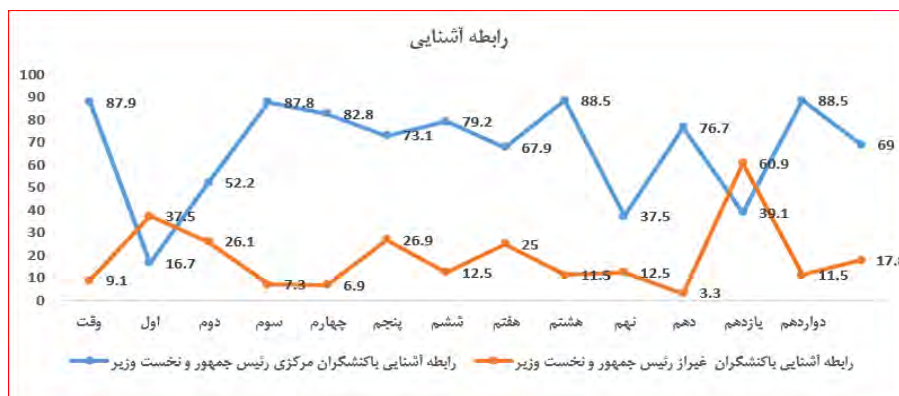
^۱. روحانی در دولت دوازدهم

^۲. Cross-Cutting Ties

جدول ۷،۱: توزیع شبکه‌آشنایی نخبگان قدرت برحسب دولت‌ها

تعداد کل پیوندها در شبکه	رابطه‌آشنایی با کنشگران غیر از رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر	رابطه‌آشنایی با کنشگران مرکزی رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر	نامعلوم	دولت‌ها
33	9.1	87.9	3.0	موقت
24	37.5	16.7	45.8	اول
23	26.1	52.2	21.7	دوم
41	7.3	87.8	4.9	سوم
29	6.9	82.8	10.3	چهارم
26	26.9	73.1		پنجم
24	12.5	79.2	8.3	ششم
28	25.0	67.9	7.1	هفتم
26	11.5	88.5		هشتم
32	12.5	37.5	50.0	نهم
30	3.3	76.7	20.0	دهم
23	60.9	39.1		یازدهم
26	11.5	88.5		دوازدهم
	17.8	69.0	13.2	درصد
365	65	252	48	کل

در دولت‌های موقت، سوم، هشتم و دوازدهم بیشترین تمرکز در اطراف کنشگران حلقه مرکزی شبکه اجتماعی توزیع شده‌اند. به‌طور کلی، ۶۹ درصد از کل مورد‌های مورد مطالعه رابطه‌آشنایی باکنشگران مرکزی رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر داشته‌اند.



دیاگرام شماره ۱: توزیع درصدی شبکه رابطه آشنایی بین دولتی

داده‌های ناظر بر شبکه رابطه حزبی نخبگان قدرت دلالت بر آن دارد که حزب جمهوری اسلامی ایران با ۵۳ مورد بیشترین وزن را در فرایند دستیابی به منبع قدرت سیاسی داشته است. بعد از حزب جمهوری اسلامی، به ترتیب عضویت در شبکه حزب کارگزاران سازندگی با ۲۶، حزب مؤتلفه اسلامی با ۲۰ و جبهه مشارکت ایران اسلامی با ۱۷ فرصت دستیابی و بسیج منابع برای کنش ابزاری معطوف به بازده قدرت داشته است.

جدول شماره ۸: توزیع شبکه رابطه حزبی نخبگان قدرت بر حسب دولت‌ها

ک	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	تعداد	حزب
۲	۰	۰	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	ائتلاف آبادگران ایران اسلامی
۲	۰	۰	۲	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	ائتلاف رایحه خوش خدمت
۱۷	۶	۶	۰	۱	۴	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	اصلاح طلب
۳۲	۰	۰	۱۷	۱۵	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	اصول گرا
۱۱	۸	۳	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	اصول گرای میانه‌رو
۳	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۲	۰	انجمن اسلامی
۱	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	انجمن اسلامی جامعه پزشکی

ادامه جدول شماره ۸: توزیع شبکه رابطه حزبی نخبگان قدرت برحسب دولت‌ها

کلی	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۰	تعداد	
2	0	0	0	0	1	1	0	0	0	0	0	0	0	0	انجمن اسلامی خارج
1	1	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	انجمن اسلامی مدرسین
1	0	0	0	0	1	0	0	0	0	0	0	0	0	0	انجمن اسلامی مدرسین دانشگاه‌ها
2	0	1	0	0	0	1	0	0	0	0	0	0	0	0	انجمن اسلامی معلمان ایران
2	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	2	انجمن اسلامی مهندسیین
3	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	3	جاما
7	0	1	0	1	0	0	1	1	0	1	1	1	1	0	جامعه روحانیت مبارز
1	0	0	1	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	جبهه پیروان خط امام و رهبری
17	1	2	0	0	1 0	4	0	0	0	0	0	0	0	0	جبهه مشارکت ایران اسلامی
7	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	7	جبهه ملی
3	0	0	0	3	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	جمعیت اینثارگران انقلاب اسلامی
2	0	0	0	0	1	1	0	0	0	0	0	0	0	0	جمعیت دفاع از ارزش‌های انقلاب اسلامی
6	0	0	0	0	0	1	0	5	0	0	0	0	0	0	جناح چپ
17	0	0	0	0	0	0	6	11	0	0	0	0	0	0	جناح راست
4	1	1	0	0	0	1	0	1	0	0	0	0	0	0	حزب اسلامی کار
10	5	5	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	حزب اعتدال و توسعه
2	1	1	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	حزب اعتماد ملی
53	0	0	0	0	0	0	0	0	14	13	13	13	0	0	حزب جمهوری اسلامی ایران

ادامه جدول شماره ۸: توزیع شبکه رابطه حزبی نخبگان قدرت برحسب دولت‌ها

ک	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۰	نخبگان
26	2	1	0	0	4	7	12	0	0	0	0	0	0	حزب کارگزاران سازندگی
8	0	0	0	0	0	0	0	0	4	4	0	0	0	مؤتلفه اسلامی و حزب جمهوری اسلامی
3	0	0	0	0	0	0	0	0	0	1	2	0	0	حزب ملل اسلامی
12	0	0	2	3	0	0	3	2	1	1	0	0	0	حزب مؤتلفه اسلامی
1	0	0	0	0	0	0	1	0	0	0	0	0	0	خانه کارگر
2	0	0	0	0	0	2	0	0	0	0	0	0	0	دفتر تحکیم وحدت
11	0	0	0	0	0	0	0	0	1	5	3	2	0	سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی
9	0	0	0	0	2	3	0	2	2	0	0	0	0	مجمع روحانیون مبارز
26	0	0	0	1	2	5	0	4	8	4	0	1	1	مستقل
14	0	0	0	0	0	0	0	0	2	12	0	0	0	مورد حمایت حزب جمهوری اسلامی ایران
21	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	2	19	0	نهضت آزادی ایران
341	25	21	23	26	25	27	23	26	28	40	22	23	32	کل

در سطح شبکه رابطه حزبی، داده‌های تجربی نشان می‌دهند که ترکیب اعضای دولت‌ها تابع یک الگوی منظم مبتنی بر عضویت افراد در شبکه‌های حزبی و حلقه‌های نهادی معین بوده‌اند. در دولت موقت، عضویت در شبکه نهضت آزادی، در دولت‌های اول تا چهارم رابطه نهادی با حزب جمهوری اسلامی، در دولت‌های پنجم و ششم عضویت در شبکه جناح راست و نیز پیوند نهادی با حزب کارگزاران سازندگی، در دولت‌های هفتم و هشتم عضویت در شبکه‌های جناح چپ و حزب مشارکت اسلامی، در دولت‌های نهم و دهم عضویت در شبکه‌های راست اصول‌گرا و نظامی و در دولت یازدهم و دوازدهم عضویت در چهار شبکه حزبی اعتدال‌گرا، حزب کارگزاران سازندگی و اصلاح‌طلبان و شبکه اصول‌گرایی میانه‌رو، منبع ساختاری برای

دستیابی به قدرت بوده است. دولت اول و دوم روحانی در مقایسه با دولت‌های پیشین تا حد زیادی ماهیت ائتلافی دارد.

شواهد تجربی ناظر بر رابطه شبکه‌ای در سه سطح نهادی رسمی، آشنایی یا دوستی و حزبی دلالت بر آن دارد که بازرگان، نهضت آزادی و جبهه ملی سه حلقه ارتباطی میان اعضای دولت موقت هستند. در دولت اول، رئیس‌جمهور ابوالحسن بنی‌صدر، عضویت در شبکه حزب جمهوری اسلامی نقش مهمی در دستیابی به قدرت دارد. شواهد نشان می‌دهد که ۷۵ درصد از اعضای دولت اول عضو شبکه حزب جمهوری اسلامی ایران و گروه‌های هم‌جهت بوده‌اند. تنها بنی‌صدر عضویت حزبی نداشت، باین‌حال حلقه ارتباطی این فرد آیت‌الله خمینی، رهبر انقلاب بود. ۱۳۵۷،

در دولت دوم، رئیس‌جمهور محمدعلی رجایی، نیز عضویت در شبکه حزب جمهوری اسلامی نقش مهمی در دستیابی به قدرت داشته است. در این دوره، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی و حزب مؤتلفه اسلامی نیز از حلقه‌های ساختاری شبکه روابط اجتماعی بخشی از اعضای کابینه بوده است. شواهد نشان می‌دهد که شبکه روابط اجتماعی بیش از ۹۳ درصد از اعضای دولت دوم عضو یا مورد حمایت حزب جمهوری اسلامی بوده‌اند. در این دوره، سهم سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی در کابینه ۱۳ درصد بوده است. آیت‌الله خمینی، بهشتی و سیدعلی خامنه‌ای در کانون حلقه ارتباطی این کابینه بوده‌اند.

در دولت سوم، رئیس‌جمهور سیدعلی خامنه‌ای، نیز شبکه حزب جمهوری اسلامی گره مرکزی بوده است. مانند دوره پیشین سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی و حزب مؤتلفه اسلامی نیز از حلقه‌های ساختاری شبکه روابط اجتماعی بخشی از اعضای کابینه بوده است. در این دوره، روابط مشترک کاری میان نخبگان قدرت سیاسی درون‌دولتی و بین‌دولتی مبنای پیوند و ارتباط میان نخبگان قدرت سیاسی بوده است. ارتباط با میرحسین در روابط درون شبکه رسمی وزارتی کاری برجسته است. گره‌های موجود در کانون حلقه ارتباطی این کابینه، آیت‌الله خمینی، میرحسین موسوی و سیدعلی حسینی خامنه‌ای بود.

در دولت چهارم، رئیس‌جمهور سیدعلی خامنه‌ای، نیز عضویت در شبکه حزب جمهوری اسلامی و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی به ترتیب نقش مهمی در دستیابی به منابع قدرت

داشته است. در این دوره، از شبکه حزب مؤتلفه اسلامی تنها رفیق دوست حضور داشته است. در دولت چهارم، مهم‌ترین تغییر حذف حزب مؤتلفه اسلامی و ورود روحانیون مبارز به ساختار قدرت، قوه مجریه، است. در این دوره نیز روابط مشترک کاری میان نخبگان قدرت سیاسی درون‌دولتی و بین‌دولتی منبای ارتباط میان نخبگان قدرت سیاسی بوده است و ارتباط با میرحسین در روابط درون‌شبکه رسمی وزارتی بیشتر نمایان بوده است. شبکه روابط اجتماعی ۹,۳۷ از اعضای دولت چهارم از نوع دوستی_ نهادی بوده است. از ۲۹ نفر ۱۰ درصد رابطه خویشاوندی با همدیگر داشته‌اند. یافته‌های تجربی نشان می‌دهد که ۴۸.۳ درصد از اعضای دولت چهارم عضو یا از افراد مورد حمایت حزب جمهوری اسلامی بوده‌اند. اگرچه شبکه روابط اجتماعی اکثریت اعضای کابینه دولت چهارم، حزب جمهوری اسلامی ایران بوده است، با این حال شبکه‌های شخصی و پیوندهای میان نخبگان سیاسی به‌ویژه ارتباط با آیت‌الله خمینی، میرحسین موسوی و سیدعلی خامنه‌ای امکان دستیابی به قدرت را تولید و بازتولید کرده است. مهم‌ترین فرد موجود در کانون حلقه ارتباطی این کابینه، میرحسین موسوی بوده است.

در دولت پنجم، رئیس‌جمهور علی‌اکبر هاشمی رفسنجانی، عضویت در شبکه حزبی نقش مهمی در دستیابی به قدرت نداشته است. در این دولت، به‌جای حزب بیشتر تعلق جناحی و پیوندهای شخصی و کاری شرایط اطلاق داشته است. تنها پنج عضو از کابینه در حلقه ساختاری شبکه حزبی حضور داشته است. یافته‌های تجربی نشان می‌دهد که ۵۳.۸ درصد از اعضای دولت پنجم در حلقه شبکه روابط هاشمی بودند که با او ارتباط دوستی و آشنایی داشته‌اند. عضویت در کابینه‌های پیشین و هم‌پارلمانی بودن با هاشمی صفت ساختاری شبکه روابط نخبگان قدرت در کابینه پنجم محسوب می‌شود. یافته‌های تجربی دلالت بر آن دارد که ۴۲.۳ درصد از اعضای دولت پنجم از جناح راست بوده‌اند. از مجمع روحانیون مبارز دو نفر در دولت حضور داشت. مهم‌ترین فرد موجود در کانون حلقه ارتباطی این کابینه، هاشمی بود. در دولت ششم، رئیس‌جمهور علی‌اکبر هاشمی رفسنجانی، شبکه پیوندهای شخصی و ارتباط با هاشمی رفسنجانی و عضویت در شبکه حزب کارگزاران سازندگی نقش مهمی در دستیابی به قدرت داشته است. البته باید نقش این حزب کارگزاران سازندگی را در ترکیب با عاملیت هاشمی رفسنجانی در حیات سیاسی آن دوره از تاریخ ایران فهم کرد. حزب مؤتلفه اسلامی نیز از

حلقه‌های ساختاری شبکه روابط اجتماعی بخشی از اعضای کابینه بوده است. عضویت در کابینه‌های پیشین و هم‌کابینه‌ای بودن با هاشمی صفت رابطه ساختاری رسمی میان نخبگان قدرت در کابینه ششم محسوب می‌شود. در این دوره ۵۰ درصد از اعضای دولت عضو حزب کارگزاران سازندگی بودند.

در دولت هفتم، رئیس‌جمهور سیدمحمد خاتمی، شبکه نهادی رسمی و حزبی و شبکه پیوندهای شخصی و ارتباط با خاتمی نقش مهمی در دستیابی به قدرت سیاسی داشته است. در این دوره، روابط مشترک کاری میان نخبگان قدرت سیاسی درون‌دولتی و بین‌دولتی مبنای پیوند میان نخبگان قدرت سیاسی بوده است. در دولت هشتم، رئیس‌جمهور سیدمحمد خاتمی، شبکه‌های شخصی و پیوندهای میان نخبگان سیاسی به‌ویژه ارتباط با خاتمی صفت ساختاری شبکه روابط نخبگان قدرت در کابینه هشتم محسوب می‌شود. عضویت در شبکه جبهه مشارکت ایران اسلامی و حزب کارگزاران سازندگی نقش مهمی در دستیابی به قدرت داشته است. البته باید نقش این دو حزب را در ترکیب با عاملیت خاتمی در حیات سیاسی آن دوره از تاریخ ایران فهم کرد. در این دوره، روابط مشترک کاری میان نخبگان قدرت سیاسی درون دولت و میان دولت‌ها مبنای پیوند و ارتباط میان نخبگان قدرت سیاسی بوده است. در این دوره ۳۸,۵ از اعضای دولت عضو جبهه مشارکت ایران اسلامی بودند. سهم حزب کارگزاران سازندگی ۱۵,۴ بوده است.

در دولت نهم، رئیس‌جمهور محمود احمدی‌نژاد، تنها شش نفر عضویت در شبکه حزبی داشته‌اند. عضویت در نهادهای نظامی و اقتصادی نقش مهمی در دستیابی به قدرت داشته است. علاوه بر این، شبکه‌های نهادی، شبکه‌های شخصی و پیوندهای میان نخبگان سیاسی، به‌ویژه ارتباط با احمدی‌نژاد، امکان دستیابی به قدرت را تولید و بازتولید کرده است. شبکه پیوندهای شخصی و نهادی مثل هم‌دانشگاهی بودن با احمدی‌نژاد و نظامی-امنیتی بودن و عضویت در شبکه‌های اقتصادی و پارلمانی صفت ساختاری شبکه روابط نخبگان قدرت در کابینه نهم محسوب می‌شود. در این دوره، ۴۶,۹ درصد از اعضای دولت عضو جبهه اصول‌گرایی بودند. در این دوره، ۲۱,۹ درصد از اعضای دولت عضویت در شبکه نظامی-امنیتی داشته‌اند. علاوه بر آن، ۱۵,۶ درصد کابینه دولت نهم از افراد عضو پارلمان

تشکیل شده است. در دولت دهم، رئیس‌جمهور محمود احمدی‌نژاد، تنها پنج نفر عضویت در شبکه حزبی یا تشکل سیاسی داشته‌اند. در این دوره، ۵۶٫۷ درصد از اعضای دولت عضو جبهه اصول‌گرایی بودند. به استثنای حاجی بابایی که به‌عنوان عضو اصول‌گرای پارلمان هفتم و هشتم وزیر دولت دهم شده بود، صفت برجسته بقیه اعضای این دولت عضویت در شبکه دولت نهم بوده است. علاوه‌براین صفت، چهار عضو دولت دهم عضو شبکه‌های نظامی بودند. هم‌کابینه‌ای بودن و هم‌انشگاهی بودن با احمدی‌نژاد صفت ساختاری شبکه روابط نخبگان قدرت در کابینه دهم محسوب می‌شود.

در دولت یازدهم، رئیس‌جمهور حسن روحانی، عضویت در شبکه نهادی دولت‌های هاشمی و خاتمی نقش مهمی در دستیابی به قدرت داشته است. پیروزی روحانی نتیجه عاملیت هاشمی رفسنجانی و خاتمی در حیات سیاسی آن دوره از تاریخ ایران است که از طریق استراتژی ائتلاف این دو رهبر سیاسی محقق شد. علاوه‌برآن، حلقه شبکه ساختاری بخشی از اعضای کابینه، مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام بوده است که روابط مشترک کاری میان روحانی و نخبگان قدرت سیاسی درون آن مرکز مبنای پیوند و ارتباط میان نخبگان قدرت سیاسی بوده است. شبکه پیوندهای شخصی و نهادی با هاشمی و خاتمی و روحانی نقش مهمی در دستیابی به قدرت سیاسی داشته است. در این دوره، اکثریت اعضا دولت عضویت در شبکه حزب اعتدال و توسعه و جبهه مشارکت ایران اسلامی و احزاب نزدیک به جبهه مشارکت ایران اسلامی داشته‌اند. عضویت در شبکه‌های دولت هاشمی و خاتمی و رابطه همکاری با روحانی صفت ساختاری شبکه روابط نخبگان قدرت در دولت یازدهم محسوب می‌شود.

در دولت دوازدهم، رئیس‌جمهور حسن روحانی، شبکه پیوندهای شخصی و نهادی با روحانی نقش مهمی در دستیابی به قدرت سیاسی داشته است. در این دوره اکثریت اعضا دولت عضویت در شبکه حزب اعتدال و توسعه و اصول‌گرای میانه‌رو و اصلاح‌طلبان داشته‌اند. داده‌های ناظر بر رابطه ساختاری در شبکه رسمی نشان می‌دهد که عضویت در شبکه‌های دولت خاتمی و رابطه نهادی با روحانی در دولت یازدهم، صفت ساختاری شبکه روابط نخبگان قدرت در کابینه دوازدهم محسوب می‌شود. اعضای دولت دوم حسن روحانی ترکیبی از اعضای شبکه نهادی دولت اول حسن روحانی و سیدمحمد خاتمی بودند.

تحلیل علی توزیع قدرت

در این قسمت، فرایند دستیابی به قدرت سیاسی تحلیل علی شده است. برای تحلیل علی از روش علیت همایندی^۱ استفاده شده است. در اینجا در پرتو دستگاه نظری، به این پرسش پاسخ تجربی داده می‌شود که: «توزیع متراکم منابع قدرت در ایران چگونه قابل تبیین است؟» براساس منطق تحلیل علیت همایندی یافتن پاسخ تجربی این سؤال نیازمند جدول ارزش زیر است:

جدول ارزش با چهار بعد شبکه اجتماعی ارائه شده است. در جدول ارزش، به جای صفر و یک از کدهای ۱ و ۲ استفاده شده است. این کدها دلالت بر شدت حضور شروط علی و نتیجه دارد.

جدول شماره ۹: توزیع شبکه نخبگان قدرت و تراکم قدرت برحسب دولت

دولت‌ها	C ₁	C ₂	C ₃	C ₄	C	O ₁	O ₂	O ₃	O
موقت	0.92	0.88	0.94	0.91	2	0.09	0.94	0.52	1
اول	0.56	0.17	0.75	0.49	1	0.08	0.75	0.42	1
دوم	0.63	0.52	0.91	0.69	2	0.44	0.91	0.68	2
سوم	0.81	0.88	0.88	0.86	2	0.44	0.88	0.66	2
چهارم	0.59	0.83	0.65	0.69	2	0.66	0.66	0.66	2
پنجم	0.38	0.73	0.54	0.55	1	0.54	0.54	0.54	1
ششم	0.78	0.79	0.92	0.83	2	0.71	0.92	0.82	2
هفتم	0.44	0.68	0.79	0.64	1	0.39	0.79	0.59	1
هشتم	0.68	0.89	0.86	0.81	2	0.62	0.88	0.75	2
نهم	0.14	0.38	0.97	0.5	1	0.09	0.97	0.53	1
دهم	0.53	0.77	1	0.77	2	0.33	1	0.67	2
یازدهم	0.36	0.39	0.91	0.55	1	0.3	0.91	0.61	1
دوازدهم	0.39	0.89	0.96	0.75	2	0.46	0.96	0.71	2
	.55	.67	.85	.69		.40	.85	.63	

¹. Conjunctural Causation

شبکه روابط اجتماعی: C1. شاخص تمرکز شبکه نهادی رسمی؛ C2. شاخص تمرکز شبکه رآشنایی؛ C3. شاخص تمرکز شبکه حزبی؛ C4. میانگین تمرکز شبکه‌ای معادل (C1+C3)/3. ۱. زیاد، ۲. خیلی زیاد.

تراکم قدرت: O₁. میزان ماندگاری در بازه ۲ تا ۸ سال؛ O₂. انحصار قدرت؛ O₃. میانگین تراکم قدرت بر مبنای شاخص میزان ماندگاری در بازه ۲ تا ۸ سال و شاخص انحصار قدرت محاسبه شده است؛ O. ۱. زیاد، ۲. خیلی زیاد.

میانگین کل تراکم قدرت معادل ۶۳. و میانگین تراکم شبکه‌ای ۶۹ است. نمره‌های پایین‌تر از میانگین با «تراکم زیاد» و نمره برابر با میانگین و بالاتر با «تراکم خیلی زیاد» تعریف شده‌اند.

همچنان که پیش‌تر گفته شد، یکی از شاخص‌های اندازه‌گیری شبکه روابط اجتماعی تمرکز شبکه است که در اینجا شبکه در اطراف یک گره واحد چرخش می‌کند.^۱ شاخص تمرکز شبکه بیانگر میزان عضویت نخبگان قدرت در شبکه حلقه مرکزی است که به صورت، نسبت تعداد پیوندهای^۲ موجود در حلقه مرکزی به همه پیوندهای ممکن محاسبه شده است. در اینجا، حلقه مرکزی نخست‌وزیر و رئیس‌جمهور است. تراکم قدرت با شاخص‌های تجربی ماندگاری در پست‌های نخست‌وزیری و ریاست‌جمهوری و وزارتی، میزان انحصار قدرت در گروه محدودی از کنشگران سیاسی حاکم ارزیابی شده است. حداکثر میزان تمرکز شبکه روابط آشنایی در اطراف حلقه خاتمی در دولت هشتم، در حلقه روحانی در دولت دوازدهم، در حلقه بازرگان در دولت موقت و در حلقه موسوی در دولت‌های سوم و چهارم بوده است. در شبکه پیوندهای حزبی حداکثر تمرکز در نهضت آزادی، حزب جمهوری اسلامی، حزب کارگزاران سازندگی، جبهه مشارکت اسلامی، احزاب ائتلافی اصول‌گرایان و ائتلاف اصلاح‌طلبان با اصول‌گرایان میانه‌رو مشاهده شده است (جدول‌های ۷ و ۸). شاخص کل شبکه پیوندهای حزبی برابر ۸۵,۰ است.

مدعای نظر ما آن است که شبکه اجتماعی شرط لازم برای توزیع منابع قدرت است. اگر ساختار شبکه اجتماعی نخبگان قدرت متمرکز باشد، دستیابی به منابع قدرت به دایره شبکه

¹. Network revolves around a single node (see Steve Borgatti, Boston Colleg, Basic Social Network Concept, available at www.analytictech.com/borgatti_borgatts@bc.edu).

². Connections

روابط ساختاری معین محدود می‌شود، آنگاه تراکم قدرت رخ می‌دهد. بر مبنای شواهد تجربی ارائه شده در جدول ارزش، معادله علی تراکم قدرت به شرح زیر است:

$$\text{Outcome}_{(O1)} = F(C_1)$$

$$\text{Outcome}_{(O2)} = F(C_2)$$

(تمرکز شبکه زیاد) = F(تراکم زیاد قدرت) Outcome (تمرکز شبکه خیلی زیاد) = F(تراکم خیلی

زیاد قدرت) Outcome

هر دو گزاره مشاهده‌ای منطقی دلالت بر آن دارند که تراکم قدرت در ایران رخ می‌دهد، اگر ساختار شبکه روابط اجتماعی نخبگان متراکم باشد. تراکم قدرت می‌تواند به‌عنوان شاخصی برای سنجش چرخش قدرت تعریف شود. در این معنا، هرچه میزان تراکم قدرت بیشتر باشد، می‌توان میزان چرخش قدرت را «کمتر» ارزیابی کرد. یافته‌ها نشان می‌دهد که شرط علی منابع ساختاری ناظر بر شبکه اجتماعی در هر دو گزاره مشاهده‌ای حضور دارند، تفاوت در شدت شاخص تمرکز شبکه مشاهده شده است. با رویکرد رابطه مجموعه‌ای^۱ می‌توان گفت، مجموعه تراکم زیاد قدرت، زیرمجموعه تمرکز شبکه‌ای زیاد و مجموعه تراکم خیلی زیاد قدرت، زیرمجموعه تمرکز شبکه‌ای خیلی زیاد است.

شواهد تجربی دلالت بر آن دارد که تراکم قدرت از دولت موقت تا دولت دوازدهم رخ داده است، با این حال، میزان آنها تفاوت می‌پذیرد. دولت‌هایی که نمره‌های تراکم قدرت در آنها پایین‌تر از میانگین کل بوده است، عضو مجموعه دولت‌هایی با تراکم زیاد و دولت‌هایی با نمره برابر میانگین و بالاتر عضو مجموعه دولت‌هایی با تراکم خیلی زیاد تعریف شده‌اند. این قاعده در باب شبکه اجتماعی نیز صادق است. میانگین تمرکز شبکه‌ای 69 بوده است. مجموعه شبکه اجتماعی دارای نمره‌های پایین‌تر از میانگین با «تمرکز زیاد» و مجموعه شبکه اجتماعی دارای نمره برابر با میانگین و بالاتر با «تمرکز خیلی زیاد» تعریف شده‌اند. دولت‌های موقت، اول، پنجم، هفتم و نهم عضو مجموعه تراکم قدرت زیاد و دیگر دولت‌ها، عضو مجموعه تراکم قدرت خیلی زیاد هستند.

^۱. Set Relation

جدول ۹،۱: شبکه نخبگان قدرت شرط لازم برای تراکم قدرت

		تمرکز شبکه اجتماعی		
		زیاد	خیلی زیاد	
تراکم قدرت	زیاد	اول، پنجم، هفتم، نهم و یازدهم	دولت موقت	۶
	خیلی زیاد		دوم، سوم، چهارم، ششم، هشتم، دهم، دوازدهم	۷
		۵	۸	۱۳

با رویکرد رابطه مجموعه‌ای، اگر شبکه اجتماعی شرط لازم برای دستیابی به منابع قدرت باشد، در این صورت باید معلول زیرمجموعه شرط علی باشد. گزاره‌های مشاهده‌ای، به اندازه ۹۲. صدق این مدعا را تأیید می‌کنند. در یک مورد، دولت موقت، این رابطه صدق نمی‌کند. شواهد نشان می‌دهد که هرگاه تمرکز شبکه‌ای رخ داده است، تراکم قدرت نیز حضور داشته است. شدت تراکم قدرت به استثنای دولت موقت، زیرمجموعه شدت تمرکز شبکه‌ای بوده است و میان این دو رابطه علی‌هم‌ایندی^۱ مشاهده شده است.

به‌طورکلی، شواهد تجربی نشان می‌دهد که آشنایی با حلقه مرکزی قدرت در هر دولتی و عضویت در گروه‌ها و احزاب مسلط و نزدیک به حلقه کنشگر مرکزی، یکی از منابع ساختاری مهم در دستیابی به منابع قدرت سیاسی در ایران است.

بحث و نتیجه‌گیری

براساس یافته‌های تجربی موجود می‌توان گفت که میزان تمرکز شبکه‌ای در سطح رابطه آشنایی با کنشگر مرکزی، به استثنای دولت اول، نهم و یازدهم، در مقیاس «خیلی زیاد» است. این یافته تجربی در سطح رابطه نهادی رسمی، به استثنای دولت پنجم، نهم و یازدهم نیز صادق است. در دولت‌های اول، پنجم، هفتم، نهم و یازدهم میزان تمرکز شبکه‌ای در مقیاس «زیاد» توزیع شده است. یافته‌های موجود دلالت بر آن دارد که دولت‌ها در حلقه کنشگر مرکزی شکل گرفته‌اند.

^۱. Conjunction

این تمرکز شبکه‌ای به نسبت نزدیکی افراد به حلقه مرکزی، به چرخه قدرت در گروه محدودی از نخبگان درون حاکمیت منجر شده است. به این معنا که اعضای کابینه از طریق اتصال به حلقه مرکزی قدرت، دستیابی به منابع در اینجا باز تثبیت قدرت را تجربه کرده‌اند.

براساس تئوری این مقاله، عنصر ساختاری مهم در دستیابی به منابع قدرت سیاسی، سرمایه‌گذاری افراد در شبکه روابط اجتماعی است. عضویت در شبکه‌های اجتماعی دارای ارتباطی^۱ را تولید می‌کند که این دارای به نوبه خود، قابلیت و فرصت دستیابی افراد به منابع ارزشمند، در اینجا قدرت سیاسی، را تسهیل می‌کند. گزاره‌های مشاهده‌ای دلالت بر صدق این مدعا دارند که هرچه شبکه روابط ساختاری بین نخبگان قدرت متمرکزتر باشد، فرایند دستیابی به منابع قدرت به دایره شبکه روابط ساختاری معین محدودتر می‌شود. آنگاه تراکم قدرت رخ می‌دهد. این نتیجه دلالت بر تمرکز منابع قدرت سیاسی^۲ در گروه محدودی از نخبگان درون حکومت دارد.

در باب دلالت عملی این پژوهش باید گفت که شبکه‌های اجتماعی هرچه متقاطع‌تر و افقی‌تر باشند، احتمال تراکم منابع قدرت در گروه محدودی از حاکمان کمتر می‌شود. در دولت‌های اول، پنجم، هفتم، نهم و یازدهم که تمرکز شبکه‌ای پایین‌تر بوده است، ایران تراکم قدرت پایین‌تری را نیز تجربه کرده است. بنابراین سرمایه‌گذاری در شبکه‌های روابط اجتماعی، مانند انجمن‌ها، انجمن نویسندگان، هنرمندان و سازمان‌های غیردولتی و احزاب، به افزایش نقش‌آفرینی شهروندان در فرایندهای دموکراتیک منجر می‌شود. افراد از طریق عضویت در این شبکه‌های اجتماعی به سازماندهی پرداخته، منافع مشترک خود را به صورت نهادمند تعقیب می‌کنند. هرچه شبکه‌های اجتماعی افقی‌تر و قوی‌تر باشند، کنترل نیروهای جامعه مدنی بر حاکمان بیشتر می‌شود. در شبکه‌های اجتماعی، تجمع منافع جمعی رخ می‌دهد، انرژی‌های پراکنده متراکم می‌شوند و منابع نهفته در آنها به تولید و انباشت سرمایه اجتماعی منجر می‌شود. اگر سرمایه اجتماعی افزایش یابد، قدرت نهفته در سرمایه اجتماعی، نیروهای اجتماعی را قادر می‌سازد فرایند چرخش آزاد قدرت را از مسیر دموکراتیک تسهیل کنند.

¹. Relational Asset

². The concentration of political power resources

منابع

- 0 ساعی، علی (۱۳۹۲). روش پژوهش تطبیقی با رویکرد تحلیل کمی، تاریخی و فازی. تهران: انتشارات آگه.
- 0 ساعی، علی (۱۳۹۹). پژوهش تحلیل چرخش نخبگان قدرت در ایران، ۱۳۵۷ تا ۱۳۹۸. پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
- 0 باستانی، سوسن و رئیس، مهین (۱۳۹۰). روش تحلیل شبکه: استفاده از رویکرد شبکه‌های کل در مطالعه اجتماعات متن باز. *مجله مطالعات اجتماعی ایران*، دوره پنجم، شماره ۲: ۳۲.
- 0 حسن پور، زینب (۱۳۹۸). تحلیل جامعه‌شناختی مکانیسم‌های توزیع قدرت سیاسی در ایران: مطالعه موردی دولت‌های هفتم تا دهم با تأکید بر رویکرد تحلیل شبکه. رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس.
- 0 چلبی، مسعود (۱۳۹۰). تحلیل اجتماعی در فضای کنش. تهران: نشر نی.
- 0 Borgatti, Stephen P.; Mehra, Ajay; Brass, Daniel J. & Labianca, Giuseppe (2009). Network Analysis in the Social Sciences. *Science*, V. 323, Issue 5916: 892-895.
- 0 Borgatti, S, Colleg. B, Basic Social Network Concept, available at <http://www.analytictech.com/networks/basic%20concepts%202002.pdf>.
- 0 Haythornthwaite, Caroline (1996). Social Network Analysis: An Approach and Technique for the Study of Information Exchange. *Library & Information Science Research*, V.18, Issue 4: 323-342.
- 0 Lin, Nan (2001). *Social Capital: A Theory of Social Structure and Action*. Cambridge: University Press.
- 0 Lin, N. & Erickson, B. (2008). *Social Capital: An International Research Program*, New York: Oxford University Press Inc.
- 0 Lin, Nan & Dumin, Mary (1986). Access to occupations through social ties. *Social networks 8, Elsevier Science Publishers*: 365-385.
- 0 Lin, Nan (1999). Social Networks and Status Attainment. *The Annual Review of Sociology*, 25: 467-487.
- 0 Lin, Nan (1982). Social Resources and Instrumental Action. Pp. 131-45 in *Social Structure and Network Analysis*, edited by Peter V. Marsden and Nan Lin. Beverly Hills. CA: Sage.
- 0 Lin, Nan (1999). Building a Network Theory of Social Capital, available at <http://faculty.washington.edu/matsueda/courses/590/Readings/Lin%20Network%20Theory%201999.pdf>.
- 0 Lin, Nan (2005). A Network Theory of Social Capital, in *Handbook on Social Capital*, edited by Dario Castiglione. Jan van Deth and Guglielmo Wolleb. Oxford: University Press.
- 0 Putnam, R. (1992). *Making Democracy Work: civic traditions in modern Italy*. Princeton: university press.
- 0 Putnam, R. (2000). *Bowling Alone: The Collapse and Revival of American Community*, New York: Simon & Schuster.